

در نشست ارزیابی تحولات اخیر کشور و ریشه‌های اقتصادی آن مطرح شد

راهکار عبور از شرایط امروز

شاخه اقتصادی فرهنگستان علوم اقدام به برگزاری سلسله نشست‌هایی با موضوع «ارزیابی تحولات اخیر کشور و ریشه‌های اقتصادی آن» کرد. در دومین نشست این فرهنگستان، حسین راغفر استاد دانشگاه الزهرا و اقتصاددان در ابتدای سخنان خود گفت: آن انفجاری که در روزهای پایانی شهریور 1401 رخ داد، یک نوع فوران ناامیدی‌های انباشته‌شده در دهه‌های گذشته بود که به‌رغم پیش‌بینی‌ها، هشدارها در این خصوص شنیده نشد لذا ما باز هم می‌توانیم به عوامل اقتصادی این بحران بپردازیم. نخست باید گفت رابطه تنگاتنگی بین ساختار قدرت و ساختار تولید وجود دارد که همدیگر را تغذیه کرده و به هم قدرت و امنیت می‌دهند. چرا ساختار تولیدی ما اینگونه شده که عملاً با فروش منابع، قدرت را تغذیه می‌کند؟ پاسخ این است که ساختار قدرت چنین تصمیم گرفته است لذا یک اقتصاد مبتنی بر سفته‌بازی، دلالتی و فروش منابع طبیعی شکل گرفته و در نهایت نهادهای مورد نیاز خود را هم در کشور شکل می‌دهد. مدیریت غلط اقتصادی (به خصوص پس از جنگ تحمیلی) اقتصاد را به یک اقتصاد رفاقتی تبدیل کرد که تقسیم منابع بین افراد در قدرت و وفاداران به آنها و دسترسی به امکانات کشور و تخصیص اعتبارات بانک‌ها به دوستان و رفقا، ویژگی‌های آن نوع سیاست‌گذاری بود. در سال 1384 دیون معوقه بانکی 12 هزار میلیارد تومان بوده است اما سال 1392 این رقم به 260 هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده که همین نشان می‌دهد چگونه اعتبارات به دوستان و رفقا اعطا شده است. محصول چنین نظام اقتصادی، ناکارآمدی و فساد است.

به گزارش جماران وی افزود: از اقتصاد آزاد سخن می‌گویند بدون اینکه از الزامات آن چیزی بگویند. یک نظام تنازلی مالیاتی برقرار کرده‌اند که نرخ مالیات کسانی که سطوح درآمدی بالا دارند بسیار کمتر از کسانی است که سطح درآمدی پایین‌تر دارند. اینها همه کافی

است برای اینکه اقتصاد را دچار يك رکود تورمي مزمن کند. رشد گسترده نهادها و بنيادهای مختلف هرروزه جا را برای بخش خصوصي واقعي تنگتر مي‌کند. این یکی از دلایلي تسريع فرار مغزها در کشور بوده است. بیش از دو دهه است که ما شاهد فرار سرمایه بخش خصوصي هستیم که به نحو بیسابقه‌ای در حال تشدید است و به دنبال آن بیکاري و تورم مستمر در برابر دیدگان همه قرار گرفته است. بیکاري فرزندان تحصیلکرده، تبدیل به کابوس خانواده‌ها شده لذا همه اینها انباشت نارضايتي‌ها را ممکن کرده است.

رشد بیسابقه اقتصاد غیررسمي

راغفر به رشد بیسابقه اقتصاد غير رسمي اشاره کرد و گفت: دستمزدهای نازل، مشاغل واسطه‌گري و دست‌فروشي از آثار اقتصاد بخش غير رسمي است. دولت و مجلس در این موارد نقش‌های کلیدی دارند اما متأسفانه همه در برابر این همه تعرض به حقوق مردم سکوت مي‌کنند. همه اینها مقارن شد با تغییر ایدئولوژي پس از جنگ تحميلي و تکرار تجربه مشروطیت که مشروعیت را جایگزین آن کرد. این اتفاق آرام صورت گرفت اما از جمله پیامدهای آن این بود که قانون اساسي تعطیل شد. مجلس از ماهیت واقعي خود که انعکاس اراده ملت باشد تهی شد و شوراي شهرها به دوستان و رفقا تقدیم شدند و احزاب برای تصاحب خوان گسترده خصوصي‌سازي‌ها باهم رقابت کردند. این موارد است که علت ناکارآمدی اقتصاد شده و نابرابري در درآمد و ثروت را به بار آورده است. مردم قرباني این وضعیت اقتصادي شده‌اند.

نهادهای اقتصادي

مدافعان افزایش قیمت هستند

وي با بیان اینکه اصلي‌ترین مدافعان افزایش قیمت‌ها همین نهادهای حاضر در اقتصاد کشور هستند، گفت: ناکارآمدی علت اصلي فروپاشي همه قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ بوده است. بدون تردید اگر اصلاحات اساسي در اقتصاد ایران شکل نگیرد، ناکارآمدی در کشور ما يك بار دیگر قرباني خواهد گرفت. اصلي‌ترین محرك همه این نابساماني‌ها نظام تمشيت امور است که تصمیمات اتخاذشده توسط آن به شکل‌گيري ابرچالش‌های جمعیت و بیکاري، انرژی، نوآوری، سياست خارجي و... منتهی ميشود. همه این چالش‌ها از هم تاثیر مي‌گیرند. اگر ما بخواهیم راه‌حل‌هایی برای آن پیش‌بینی کنیم، باید راهبردهای خروج از شرایط کنوني بر تقویت انسجام اجتماعي تاکید داشته باشد. لازمه آن این است که سیاست‌های اقتصادي به نسل جدید جامعه ما امید ببخشد لذا نخستین اقدامی که باید صورت بگیرد، خروج نهادهای قدرت از اقتصاد

و واگذاری سهام شرکت‌های آنها به مردم است چراکه هزاران شرکت وابسته به آنها وجود دارد که همه این شرکت‌ها با منابع مردم شکل گرفته‌اند. در این صورت است که فقط ما می‌توانیم امیدوار باشیم که با فساد يك مقابله جدي و اساسي کرد.

بخش خصوصي با زد و بند، ثروتمند شده

راغفر افزود: نظام مالیاتی باید اصلاح و به يك نظام مالیاتی تصاعدي تبدیل شود یعنی آنان که ثروت و درآمد بالاتر دارند، نرخ‌های بالاتری برای مالیات آنها لحاظ شود. این حرف مهمی است که بخش خصوصي هرچه به دست آورده مربوط به نوآوری خودش بوده است. در ایران همه اینها با زد و بند به این جایگاه‌ها رسیده‌اند اما فارغ از آن در کشور امریکا (که برخی مدعی شبیه به آن شدن هستند) در مقابل هر يك دلاری که بخش خصوصي سرمایه‌گذاری می‌کند، دولت 1.3 دلار روی زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند که بخش خصوصي بتواند کار کند و صاحب ثروت شود. در نتیجه ما به يك نظام بازتوزیعی نیاز داریم که برای همه آحاد جامعه به ویژه آنهایی که در این سه دهه گذشته سهمی نداشته‌اند، سهم تعیین کند. یکی از راه‌های خروج از بحران کنونی و امیدبخشی به نسل جوان که اقتصاددان‌های بزرگ دنیا طراحی کرده‌اند، اعطای يك مبلغ قابل توجه به جوانانی است که به يك سن (مثلاً 20 سالگی) می‌رسند تا آن را به دلخواه خود برای سرمایه‌گذاری در آینده استفاده کنند. همچنین تعهداتی باید در خصوص خدمات آموزش عالی عمومي برای همه، خدمات سلامت عمومي و... که در قانون اساسي تعريف شده، در قبال مردم ایفا شود. تمام منابع اینها باید از طریق مالیات تامین شود. مگر کشورهای دیگری که این خدمات را برای جامعه خود انجام می‌دهند نفت می‌فروشند یا طلا صادر می‌کنند؟ آنها مالیات می‌گیرند لذا اصلاح نظام مالیاتی فرصت‌های بزرگی را می‌تواند برای خروج از بحران مهیا کند.

این اقتصاددان با تاکید بر اینکه خروج از بحران کنونی، راه‌حل دارد، در پایان سخنان خود تاکید کرد: تقویت انسجام اجتماعي از طریق کارکردهای اساسي نظام بانكي، نظام مالیاتی و خروج نهادهای خاص از اقتصاد کشور امکان‌پذیر است. می‌توان کشور را نجات داد اما ما با توجه به واکنش‌ها، این اراده را مشاهده نمی‌کنیم. متأسفانه گوش شنوایی برای تذکرات پیاپی وجود ندارد.

چالش‌های چهارگانه ایران

ابوالقاسم مهدوی‌زاده، استاد اقتصاد و عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران نیز در ابتدای سخنان خود

با اشاره به اینکه بررسی ریشه‌های اقتصادی اتفاقات رخ داده در روزهای اخیر تقلیل دادن اصل مساله به حوزه‌ای خاص نیست، گفت: باید ماندن زندگی يك انسان در هر جامعه‌ای و تصویری که شهروند آن جامعه از آینده دارد، باهم در نظر گرفته شود یعنی زندگی باید با تعالی ارتباط داشته باشد. اگر انسان آینده بهتر را تصویر نکند، احساس سرخوردگی می‌کند.

مهدوی‌زاده در بخش دیگری از سخنان خود به بررسی ریشه‌های اقتصادی اتفاقات اخیر پرداخت و گفت: از سال 1355 که هر 5 سال يك بار سرشماری داشته‌ایم، هم‌اکنون می‌بینیم حدود 76 درصد جمعیت شهرنشین داریم یعنی جامعه ما مدرن‌تر شده است و فهم شهری آن بیشتر شده است. تقریباً مرد و زن جمعیتی برابر دارند که نکته جالبی است. جمعیت زنان که در شعار معترضان پدیدار شده، در سال 1355 حدود 5 میلیون نفر باسواد داشته است در حالی که در سرشماری سال 1395 حدود 33 میلیون نفر آنان سواد داشته‌اند. باید دید به تناسب این زنان دارای شغل هستند؟

در سال 1395 نرخ مشارکت اقتصادی زنان 16.4 بوده است که در سال گذشته به حدود 13 درصد تنزل پیدا کرده است. نتیجه کلی در تغییرات جمعیتی عبارت از این بود ما در روزگاری از 230 نفر يك دانشجوی زن و الان از هر 20 نفر يك دانشجو داریم. ما جامعه را با فرستادن به دانشگاه جهانی کرده‌ایم. همین دانشگاه آزاد بخش زیادی از جامعه را ارتقا داده است حالا با چه کیفیتی که انجام داده موضوع سخنان من نیست.

حجم فساد را ببینید!

وی با اشاره به شاخص‌های حکمرانی که از سوی بانک جهانی مطرح شده‌اند، خاطرنشان کرد: در تمامی سال‌های مورد بررسی من در شاخص‌های حق اظهار نظر، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد در اغلب سال‌ها در محدوده منفی قرار داشته‌ایم. فساد فولاد مبارکه 91 هزار میلیارد تومان است در حالی که تشکیل سرمایه ثابت خالص سال گذشته ما 99 هزار میلیارد تومان بوده است. حجم فساد را ببینید! این تحفه نیست؟ تمام این شاخص‌ها برای عبرت گرفتن است و معنی دارند. شهروندان ما این فسادها را می‌دانند و از بی‌حجاب تا با حجاب و از بی‌سواد تا با سواد آنها ماجرای بیرون کشیدن خلخال از پای زن یهودی و برخورد مولا علی (ع) با برادر خود را حفظ هستند، بنابراین به طور طبیعی دچار تناقض می‌شود چراکه می‌گویند آنچه که چهل سال در منابر و مساجد برای ما گفته شده را در همه این افراد می‌بینیم. چطور جان او ملول نشود؟ چطور دلشان

نگیرد؟

رشد اقتصادی نباید سینوسی باشد

مهدویزاده در ادامه بیان کرد: یکی از مسائل رشد اقتصادی این است که سینوسی نباشد درحالی که ما چنین روندی نداشته‌ایم. مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید اگر شش سال (تا سال 1405) نرخ رشد 8 درصدی تجربه کنیم تازه به درآمد سرانه سال 1390 می‌رسیم. درآمد سرانه عربستان 3.5 برابر ما و درآمد سرانه ترکیه 2 برابر ما است. یک چیزی به اسم نسبت اشتغال داریم یعنی تعداد مشغولین بر تعداد سن کاری‌ها را می‌سنجیم که الان 37.1 درصد است که روندی نگران‌کننده است. معنی آن این است که جوانان در حداقل آثار آن دنبال اعتیاد می‌روند و افسرده می‌شوند و در حداکثر آثار این نسبت، به خودکشی رو می‌آورند. در تمامی سال‌های بعد از 1380 لغایت 1400 نرخ بیکار فارغ‌التحصیل بالا رفته که الان 40.3 درصد است.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران در بخش دیگری از سخنان خود به بررسی شاخص‌های فرهنگی نیز پرداخت و گفت: از افراد 15 سال به بالا حدود 88.5 درصد آنها در واتساپ، 63.8 درصد در اینستاگرام، 66.2 درصد در تلگرام حضور دارند. 65 درصد همین گروه افراد در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند. از جمعیت موجود ایران که بالغ بر 84 میلیون نفر هستند، 86 درصد آنها بعد از انقلاب متولد شده‌اند. 12.5 میلیون نفر نسل بعد از اینترنت هستند که متولدین اواخر دهه هفتاد به بعد نامیده می‌شوند. براساس آمار 95 درصد افراد در خیابان از همین نسل هستند. لذا بیرون انداختن این جوانان از فضای مجازی راه حل مساله نیست. این مشکل از جنس گرفتن ماهواره‌ها است. تکنولوژی عالم انسان را عوض می‌کند در نتیجه نگاه انسان به عالم و آدم به تعبیر هایدگر عوض خواهد شد.

وی در پایان سخنان خود گفت: با این چالش‌های چهارگانه اگر مسائل آب، خاک، اقلیم، ساختار بودجه، ساختار نظام بانکی، خروج سرمایه انسانی و... را لحاظ کنیم نباید تلاش‌هایی می‌شد که مشکل جدیدی پیش نیاید؟ برای اینکه بدانیم چه باید کرد به لزوم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی باید دقت کنیم. باید حجم تجارت خارجی را افزایش داد. نباید اقتصاد را تیول سیاست کرد. اگر تمام سوءمدیریت‌های موجود به حسن مدیریت تبدیل شود باز ما با کمبود سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مواجه هستیم لذا ما باید یک تصویر نو خلق کنیم.

منبع: روزنامه اعتماد 16 آبان 1401 خورشیدی □□